

تأثیرپذیری توسعه مالی و رشد
اقتصادی از تسهیل تجاری، بهبود
فضای کسب و کار و آزادسازی تجاری
و مالی
(در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس
اسلامی)



سعید دائی کریمزاده*

صابر معتقد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲

چکیده

با توجه به نقش بهبود فضای کسب و کار و تسهیل تجاری در افزایش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و شاخص تجارت فرامرزی و نیز اهمیت آزادسازی مالی و تجاری در روند رشد و توسعه، در این پژوهش با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی نقش بهبود فضای کسب و کار، تسهیل تجاری و آزادسازی مالی و تجاری در رشد اقتصادی و توسعه مالی کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که بهبود فضای کسب و کار، تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری داشته اما آزادسازی مالی بر رشد اقتصادی اثری نداشته است. همچنین تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری و مالی بر توسعه مالی اثر مثبت و معنی‌داری داشته است در حالی که بهبود فضای کسب و کار بر توسعه مالی بی‌اثر بوده است.

واژه‌های کلیدی: بهبود فضای کسب و کار، تسهیل تجاری، آزادسازی مالی و تجاری، رشد اقتصادی، توسعه مالی
طبقه‌بندی JEL: O16, G10, F13

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

saeedkarimzade@yahoo.com

smotaghed@yahoo.com

** دانشجوی دکتری اقتصاد

مقدمه

از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی در هر کشوری توجه به عملکردهای اقتصادی به‌ویژه توسعه مالی و رشد اقتصادی است و در این راستا در پی شناسایی عواملی هستند که بتوانند بیشترین اثر را در تقویت هرچه بیشتر این عملکردها داشته باشند. اقتصاددانان پیش از این آزادسازی تجاری و مالی و اخیراً بهبود فضای کسب‌وکار و تسهیل تجاری را در ارتباط با توسعه مالی و رشد اقتصادی کشورها مورد توجه قرار داده‌اند. براساس مطالعات اخیر، کارایی در یک اقتصاد باز بیشتر از اقتصاد بسته است. فرایند آزادسازی تجاری و تسهیل تجاری معمولاً موجب افزایش کارایی سیستم مالی از طریق حذف نهادهای غیرکارا، ایجاد فشار بیشتر برای اصلاح زیرساخت‌های مالی و کاهش مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعات مانند انتخاب معکوس و اخلاق‌گریزی و جایگزینی رقابت می‌شود و راه را برای توسعه مالی هموار می‌کند. از طرفی برخی از اقتصاددانان بر این باورند که باز بودن تجاری و تسهیل تجاری به بصیرت نظری در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی ختم می‌شود که ملازم فرایند رشد اقتصادی است (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۸۸). افزایش تجارت بین‌الملل به شرطی که سیاست‌هایی برای افزایش کیفیت محصولات داخلی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری این محصولات صورت گیرد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد بخش واقعی اقتصاد محسوب می‌شود؛ ازاین‌رو افزایش تجارت، تأثیر مستقیمی بر رشد اقتصادی دارد. بسط خدمات مالی از طریق آزادسازی مالی را می‌توان هسته اصلی هرگونه فعالیت اقتصادی دانست. به‌طورکلی این عامل که درحقیقت دو بازار اساسی اقتصاد، یعنی بازارهای پول و سرمایه را تشکیل می‌دهد، به علت ایفای نقش آن در افزایش سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر

تخصیص بهینه منابع و کارایی سرمایه سهم عمده‌ای در توسعه مالی و رشد بلندمدت اقتصادی دارد.

هرچه فضای کسب و کار در کشورها شفاف‌تر و رقابتی‌تر باشد، بهبود رقابت در بازارهای اقتصادی و کاهش در هزینه‌ها، دست‌به‌دست هم داده و به حذف تدریجی انحصارات منجر می‌شود که خود موجب افزایش سلامت اقتصادی کشورها و اتخاذ سیاست‌های مطلوب شده و روند بهبود عملکردهای اقتصادی از جمله توسعه مالی و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. از طرفی بهبود فضای کسب و کار و مستولی شدن فضای رقابت در کنار آزادسازی و تسهیل تجاری در نتیجه افزایش تجارت بین‌الملل یک کشور موجب افزایش نیاز مالی صنایع و نگاه‌های آن کشور به منابع مالی خارج از آن بنگاه و به دنبال آن موجب تعمیق بیشتر نظام مالی در آن کشور و در نتیجه توسعه مالی می‌شود که با کاهش ناکارایی در فرایند تولید، به افزایش رشد اقتصادی منجر خواهد شد. برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند مؤثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این قبیل کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. در چنین شرایطی، اقتصاد منطقه‌ای از طریق بهبود فضای کسب و کار، کاهش تعرفه‌ها و تسهیل و آزادسازی تجاری، تجارت بین‌الملل را گسترش می‌دهد و با رفع موانع انتقال سرمایه و توسعه مالی، افق‌های گسترده‌تری در برابر واحدهای تولیدی و شرکت‌ها گشوده می‌شود.

با این حال از آنجاکه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱ (OIC) با وجود مشکلاتی از قبیل کمبود مهارت‌های انسانی، ناکارایی در تولید، بی‌تحویلی تکنولوژیکی، و فقدان تخصص‌های مورد نیاز برای تولید و صدور کالاهای قابل رقابت در سطح بین‌الملل روبه‌رو هستند، تاکنون نتوانسته‌اند سهم قابل‌توجهی در تجارت خارجی داشته باشند، نیز نرخ پایین پس‌انداز و وجود موانع انتقال سرمایه سدی در مقابل توسعه مالی بوده و لذا واحدهای تولیدی و شرکت‌ها را در شرایط

۱. ایران - کویت - مصر - عربستان - ترکیه - اندونزی - پاکستان - مالزی - بنگلادش - نیجریه - ونزوئلا.

نامناسبی قرار داده است. قابل ذکر است که فعالیت دیپلماتیک ایران در سازمان کنفرانس اسلامی از دیگر پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی چشمگیرتر بوده است. اوج این مسئله به دوران ریاست ایران بر سازمان مذکور برمی‌گردد؛ فضای اطمینان و همکاری که طی این مدت ایجاد شده است، زمینه را برای موفقیت‌های دیگر از جمله افزایش بهای نفت نیز فراهم آورد که با توجه به اهمیت درآمد نفت در رشد کشورهای عضو، گامی مهم به‌شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت مباحث یادشده در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که بهبود فضای کسب‌وکار و تسهیل تجاری و نیز آزادسازی مالی و تجاری، وضعیت رشد اقتصادی و توسعه مالی را در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی چگونه تحت تأثیر قرار خواهند داد. پس از بیان مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری ارائه خواهد شد. در بخش سوم این پژوهش به مروری بر ادبیات موضوع می‌پردازیم. در بخش چهارم الگوی اقتصادسنجی معرفی شده و در مورد مؤلفه‌های الگو در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بحث خواهد شد. در بخش پنجم نتایج تجربی، تبیین و درنهایت در بخش ششم نتایج این پژوهش با مبانی نظری و دستاوردهای سایر پژوهش‌های تجربی انجام‌شده در این زمینه مقایسه شده، پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱. مبانی نظری ارتباط توسعه مالی و رشد اقتصادی

نظریه‌های مختلفی در رابطه با توسعه مالی و رشد اقتصادی توسط اقتصاددانان ارائه شده است. مدل‌های سنتی رشد از جمله مدل رشد سولو^۱ (۱۹۶۵) بیان می‌دارند که توسعه مالی از دو طریق بر تولید حقیقی اثر دارد: نخست از طریق افزایش سطح انباشت سرمایه فیزیکی و دوم از طریق افزایش کارایی سرمایه. اما در بلندمدت بر رشد اقتصادی تأثیر نخواهد داشت. از طرفی مطالعات افرادی چون **گلد اسمیت**^۲ (۱۹۶۹) و **شاو و مکینون** بیانگر وجود نوعی همبستگی مثبت بین توسعه

1. Solow

2. Goldsmith

مالی و رشد اقتصادی است. *تاون سند*^۱ (۱۹۷۹)، *دیاموند*^۲ (۱۹۸۴)، و *پرسکات*^۳ (۱۹۸۶)، بر تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأکید دارند و این درحالی است که اقتصاددانانی مانند *رابینسون*^۴ (۱۹۵۲) و *پاتریک*^۵ (۱۹۶۶)، معتقدند که رشد اقتصادی سبب افزایش و گسترش بازارهای مالی می‌شود. در دهه ۱۹۸۰ لوکاس بیان کرد که توسعه مالی اثر قابل توجهی بر رشد اقتصادی ندارد و حتی *استرن*^۶ (۱۹۸۹) اعتقادی به ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی ندارد. با به وجود آمدن مدل‌های رشد درون‌زا این نتیجه به دست آمد که ارتباط علی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد که پایه‌گذار مبانی نظری جدیدی در این رابطه است. در واقع توسعه مالی از طریق افزایش نرخ پس‌انداز و سپس نرخ سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را بهبود می‌دهد. البته افرادی مانند *مارتین*^۷ (۱۹۹۲) همبستگی منفی بین رشد اقتصادی و توسعه مالی را بیان می‌دارد. افرادی از جمله *کلتزر* و *باردهن* (۱۹۸۷)^۸ نیز رابطه‌ای یک‌سویه را برای رشد اقتصادی و توسعه مالی مطرح می‌کنند. آنها معتقدند کشورهایی که از نظر مالی توسعه‌یافته‌ترند، دارای مزیت نسبی در صنایع و بخش‌هایی هستند که به تأمین مالی خارج بنگاه وابسته‌تر هستند. در کل می‌توان گفت اگر مدیریت دقیق هزینه، اطلاعات کافی و تسهیل مبادلات صورت پذیرد، توسعه مالی به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

۱-۲. مبنای نظری اثرات آزادسازی تجاری و مالی بر رشد اقتصادی و توسعه مالی
اندیشه اثرات سطح آزادسازی تجاری و مالی بر عملکردهای اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و توسعه مالی تفکر جدیدی نیست و در کارهای نظری و تجربی افرادی

-
1. Town Send
 2. Diamond
 3. Prescott
 4. Rabinson
 5. Patric
 6. Stern
 7. Martin
 8. Keltzer and Bardhan

از جمله *گلداسمیت* (۱۹۶۹)^۱ و *کینگ و لوین* (۱۹۹۳)^۲ اثرپذیری رشد اقتصادی و توسعه مالی از آزادسازی مالی و تجاری مورد بررسی قرار گرفته است. *کلتز و باردهن*^۳ (۱۹۸۷) برای نخستین بار واژه سرکوب مالی و سقوط رشد را به کار می‌گیرند و این پدیده را معلول باز بودن تجاری بدون باز بودن مالی می‌دانند. *لوکاس*^۴ (۱۹۸۸) و *یوانگ*^۵ (۱۹۹۱) بیان می‌کنند که تفاوت در تکنولوژی و فراوانی عوامل تولید و انباشت سرمایه در کشورهای مختلف، گاه اثر مثبت آزادسازی را بر عملکردهای اقتصادی عکس نموده و کاهش رشد و انقباض مالی را در پی خواهد داشت. *مکینون*^۶ (۱۹۹۱) آزادسازی حساب سرمایه را آخرین مرحله آزادسازی اقتصادی می‌داند که تنها پس از فرایند آزادسازی تجاری اجرا خواهد شد و در این صورت بر عملکردهای اقتصادی اثر مثبت خواهد داشت. ادبیات رشد درون‌زا به اندازه کافی در معرفی الگوهای متفاوتی که محدودیت‌های تجاری منجر به افزایش یا کاهش رشد اقتصادی می‌گردد، وسیع و متنوع است (رومر^۷ ۱۹۹۰، گراسمن و هلپمن^۸ ۱۹۹۰ و ماتسویاما^۹ ۱۹۹۲). در این میان اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک بر این باور هستند که افزایش درجه باز بودن تجاری، موتور رشد و توسعه اقتصادی است و این مهم منجر به تشویق کشورهای جهان به افزایش همگرایی اقتصادشان از طریق افزایش صادرات و واردات می‌شود. به‌طورکلی این امر از طریق افزایش سطح تخصص‌گرایی و بهره‌وری کشورها صورت می‌پذیرد. لازم به ذکر است که حتی با وجود پذیرش این امر که همگرایی اقتصادی و افزایش تجارت موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد، عده‌ای از نظریه‌پردازان اقتصاد بین‌الملل مانند *بالاسا*^{۱۰}

1. Goldsmith
2. King and Levine
3. Kletzer & Bardhan
4. Lucas
5. Young
6. McKinnon
7. Romer
8. Grossman and Helpman
9. Matsuyama
10. Balassa

(۱۹۷۸)، کوآن^۱ و همکاران (۱۹۹۶) و بادینگر و توندل^۲ (۲۰۰۲) با اعتقاد فوق‌العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی، از آن به‌عنوان موتور رشد یاد می‌کنند.

۳-۱. مبنای نظری اثرات فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی و توسعه مالی
 ساچس و آرتور^۳ (۱۹۹۳) در مطالعات خود که برای نخستین بار در قالب گزارش رقابت‌مندی جهانی انتشار یافت، به ارائه رویکردی پرداخته‌اند که عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری فضای اقتصادی کشورها را در مسیر رشد بررسی می‌کند و به‌نوعی به بررسی فضای کسب‌وکار اقتصادی کشورها با تأکید بر رقابت‌پذیری و بهبود عملکردهای اقتصادی بازار می‌پردازند. این دو در طراحی شاخصی تحت عنوان شاخص رقابت‌پذیری رشد یک مدل مفهومی ارائه نموده‌اند که در آن نوسانات این شاخص عمدتاً تحت تأثیر حوزه‌های فناوری، نهادهای عمومی و محیط کلان اقتصاد است. شایان ذکر است در سایر مطالعات انجام‌شده، شاخص‌های دیگری نیز در مورد رقابت‌پذیری تعریف شده است که به‌نوعی نسخه‌های بازبینی شده مدل ساچس و آرتور هستند، مانند شاخص رقابت‌پذیری جهانی که هر سال توسط مجمع جهانی اقتصاد محاسبه و منتشر می‌شود و یا شاخص رقابت‌پذیری کسب‌وکار که پورتر^۴ (۲۰۰۰) آن را پیشنهاد داده است. در مدل مفهومی دفت^۵ (۲۰۰۳) ملاحظه می‌شود عوامل مؤثر بر فضای کسب‌وکار در قالب ۹ مؤلفه به تصویر کشیده شده است که این مؤلفه‌ها از جمله نرخ پس‌انداز، نرخ سود بانکی، نرخ اشتغال، تسهیل مبادلات و... با بهبود فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی و توسعه مالی اثرگذار خواهند بود؛ هرچند این موضوع می‌تواند از جنبه‌های دیگری نیز مورد توجه قرار گیرد. کلارک^۶ (۲۰۰۳) در مدلی دیگر فضای کسب‌وکار را متأثر از محیط‌های هشت‌گانه می‌داند. این مدل هرچند در برخی مؤلفه‌ها با مدل دفت

-
1. Kwan
 2. Badinger and Tondl
 3. Sachs and Arthur
 4. Porter
 5. Daft
 6. Clarke

تفاوت دارد، اما دو مدل از چارچوب یکسانی برخوردار هستند و عملاً هریک با رویکردهایی (تا حدودی) متفاوت به بررسی عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار که به بهبود عملکردهای اقتصادی منجر می‌شوند، پرداخته‌اند.

۴-۱. مبنای نظری اثرات تسهیل تجاری بر رشد اقتصادی و توسعه مالی

تسهیل تجاری برای نخستین بار به صورت رسمی به عنوان مفهوم پذیرفته شده بین‌المللی در سال ۱۹۹۶ در دستورکار نشست وزیران سازمان جهانی تجارت در سنگاپور قرار گرفت و از آن پس به منزله یک هدف تحت همین عنوان در اسناد این سازمان وارد شد؛ هرچند پیش از آن تاریخ نیز بسیاری از مصوبات و توافقات این سازمان عملاً در جهت تسهیل تجاری بوده است. در چارچوب ارائه شده توسط ESCAP^۱ نیز ۶ محور کلیدی برای حرکت در مسیر تسهیل تجاری عنوان شده است که عبارتند از: مستندسازی و فرایندسازی مراحل تجارت، شفافیت فرایندهای گمرکی، قانونمندی و ضابطه مند نمودن تجارت و گمرکات، الزام و تعهد به رویه‌های تجاری و گمرکی، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه نهادهای تأمین مالی تجاری. ماهیت محورهای فوق نیز تقریباً همچون تعاریف ارائه شده از سوی WTO و OECD ماهیتی اجرایی و عملکردی دارد. مطالعات انجام شده در زمینه تسهیل تجاری را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم کرد. در گروه اول پاره‌ای از مطالعات به بررسی اثر تسهیل تجاری بر حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله تجارت، رشد اقتصادی و توسعه مالی پرداخته‌اند. در این حوزه می‌توان به مطالعه *ایوانف و پاتریک*^۲ (۲۰۰۵) اشاره نمود. در این مطالعه که برای ۱۲۴ کشور در حال توسعه و توسعه یافته (با تأکید بر کشورهای افریقای) برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ انجام شده، از یک مدل پایه جاذبه استفاده و مشاهده شد که تسهیل تجاری نقش به‌سزایی در توسعه اقتصادی و رشد مالی کشورهای مورد بررسی داشته است. در این مطالعه برای تسهیل تجاری از متغیرهایی چون: تعداد فرایندها، اسناد و روزهای مورد نیاز برای انجام امور اداری واردات و صادرات که توسط بانک جهانی

1. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

2. Evanuf & Patreek

و در قالب شاخص فضای کسب و کار تولید می‌شود، استفاده شده است. در مطالعه دیگر شیپارد (۲۰۱۰) مشاهده شد که کاهش معادل یک واحد انحراف معیار در متغیرهایی چون هزینه صادرات، تعرفه‌ها و هزینه‌های حمل و نقل که تابعی از فاصله جغرافیایی کشورها از یکدیگرند، می‌تواند در شرایطی بین ۳ تا ۱۲ درصد صادرات را بهبود بخشد. در این مطالعه که برای ۱۱۷ کشور منتخب انجام شده است، مشاهده گردید با توجه به فاصله جغرافیایی کشورها، تسهیل فرایندهای تجاری در کشورهای مبدأ می‌تواند اثر معناداری بر حجم تجارت و انتقال سرمایه و در نهایت عملکردهای اقتصادی داشته باشد. در این مطالعه تعداد فرایندهای گمرکی، اسناد مبادله شده و ... به عنوان شاخص‌های تسهیل تجاری در نظر گرفته شده است.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

با توجه به اهمیت مباحثی که در بخش مبانی نظری مطرح شد، در سال‌های اخیر قسمت قابل توجهی از تحقیقات پژوهشگران صرف مطالعات تجربی حول این مباحث شده است. در اینجا به اختصار مروری بر این مطالعات خواهیم داشت.

۲-۱. مطالعات خارجی

کورتون و ایرین (۲۰۱۱)^۱ در مقاله‌ای به بررسی آزادسازی مالی، توسعه مالی و رشد اقتصادی، برای کشور ترکیه در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ با استفاده از روش خود رگرسیون برداری پرداخته و بیان می‌کنند آزادسازی تجاری بدون آزادسازی مالی باعث سرکوب مالی بنگاه‌های جدید شده و افزایش یارانه‌های تسهیلاتی را به دنبال دارد و از این رو متصدیان بنگاه‌های صنعتی از تأمین مالی ارزان برای رقابت برخوردار خواهند بود که اثر منفی بر توسعه مالی و اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. آنتونیوس (۲۰۱۰)^۲ بررسی توسعه مالی و رشد اقتصادی در بین ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا برای سری زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۹ با استفاده از روش پانل دیتا را حاکی از اهمیت معنی‌داری باز بودن تجاری و مالی بر سطح توسعه مالی و رشد اقتصادی در این کشورها می‌داند. براساس یافته‌های وی باز بودن تجاری و مالی

1. Kortun and Erine

2. Antonios

همزمان تأثیر مثبتی بر توسعه مالی کشورهایی که به طور نسبی اقتصاد بسته تری دارند، خواهد داشت. به علاوه باز بودن مالی نسبت به باز بودن تجاری تأثیر بیشتری بر توسعه مالی و رشد اقتصادی دارد.

فلیپ و کومار^۱ (۲۰۱۰) اثر تسهیل تجاری را بر توسعه مالی و رشد اقتصادی میان کشورهای آسیای مرکزی در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۸ بررسی کرده‌اند. در این مطالعه از یک مدل جاذبه و برای متغیر تسهیل تجاری از شاخص عملکرد لجستیک استفاده شده است و نتایج، نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار تسهیل تجاری بر رشد اقتصادی و بی‌اثر بودن آن بر توسعه مالی در این کشورها می‌باشد. **کورکوسکا و ریکل**^۲ (۲۰۰۸) در مقاله خود به بررسی رابطه بهبود فضای کسب‌وکار و رشد اقتصادی در آلمان شرقی و غربی و اروپای مرکزی با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های مقطعی در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۶ می‌پردازند و بیان می‌کنند که بهبود فضای کسب‌وکار در این کشورها می‌تواند اثر معناداری بر رشد اقتصادی داشته باشد.

هوانگ و تمپل^۳ (۲۰۰۷) به بررسی رابطه تجارت و توسعه مالی بانک‌محور در کشورهای با درآمد بیشتر OECD برای سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ با استفاده از روش پانل دیتا می‌پردازند و در نتایج به دست آمده از این تحقیق بیان می‌کنند که افزایش تجارت باعث توسعه مالی بانک‌محور در این کشورها خواهد شد.

بالتاجی و دیگران^۴ (۲۰۰۷) در پژوهش خود اثرات گسترش تجاری و مالی را بر توسعه مالی در کشورهای امریکای لاتین با روش خود رگرسیون برداری در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار می‌دهند و نشان می‌دهند که اثر مثبت گسترش مالی و تجاری بر توسعه مالی در این کشورها غیرقابل انکار است.

ایتو^۵ (۲۰۰۶) به بررسی آزادسازی مالی بر سطح توسعه مالی در کشورهای آسیایی در یک دوره زمانی چهل ساله تا سال ۲۰۰۵ با استفاده از روش پانل دیتا

-
1. Felipe and Kumar
 2. Krkoska and Robeck
 3. Huang and Temple
 4. Baltagi, Badi, Law and Demetriades
 5. Ito

پرداخته و نتایج مطالعه وی بر اثر مثبت آزادسازی مالی بر سطح توسعه مالی در این کشورها دلالت دارد.

بیکر و گرینبرگ (۲۰۰۵)^۱ در تحقیقی که در بین کشورهای منطقه یورو برای بررسی ارتباط میان آزادسازی در بخش مالی و توسعه مالی و رشد اقتصادی، با استفاده از روش پانل دیتا برای سری زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۳ انجام داده‌اند، نشان دادند که داشتن یک نظام مالی قدرتمند و مستقل با داشتن یک برنامه مدون بلندمدت باعث افزایش بسیار معنی‌داری در فرایند رشد اقتصادی شده است؛ اما این افزایش در فرایند توسعه مالی به این شدت نبوده است.

سوالراید و ولاچوز (۲۰۰۵)^۲ در پژوهش خود با عنوان بازار مالی تمرینی برای خصوصی‌سازی و افزایش مزیت رقابتی، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و داده‌های مقطعی برای سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ بیان می‌دارند که کشورهای با درآمد بالای OECD با نظام مالی به‌درستی توسعه‌یافته، تمایل به متخصص شدن در صنایعی دارند که از درجه بالایی از وابستگی به تأمین مالی خارجی برخوردارند. براساس بررسی آنها اگرچه این نتایج تعجب‌آور نیست، اما درجه و اندازه آن جالب به نظر می‌رسد و از سویی این کشورهای به بدهی‌هایی که حاصل از استقراض مالی خارجی هستند کاملاً مقید هستند، بنابراین برنامه‌های تأمین مالی از خارج به‌خوبی جواب‌گو بوده است.

۲-۲. مطالعات داخلی

راستی (۱۳۹۰) اثر باز بودن تجاری و مالی را بر عملکردهای اقتصادی در کشورهای دی‌هشت در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ با استفاده از روش پانل دیتا بررسی نموده است و بیان می‌کند که باز بودن تجاری اثر مثبت بر توسعه مالی و اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و باز بودن مالی اثری بر عملکردهای اقتصادی ندارد.

یوسفی و مبارک (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مقایسه‌ای تأثیر آزادسازی مالی و تجاری بر رشد اقتصادی و توسعه مالی در ایران در بازه زمانی

1. Becker and Greenberg

2. Svaleryd and Vlachos

۱۳۶۰ تا ۱۳۸۷» با استفاده از روش اقتصادسنجی خودرگرسیون برداری نشان می‌دهند که آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی و توسعه مالی تأثیر مثبت داشته و آزادسازی مالی بر رشد بخش واقعی اقتصاد اثری ندارد؛ پس افزایش سطح تجارت در ایران باعث افزایش سطح توسعه مالی و رشد اقتصادی می‌شود و برای اینکه آزادسازی مالی بتواند اثرگذار باشد، باید زمینه‌ها و پیش‌شرط‌های لازم فراهم شود.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران در بازه زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۶ با استفاده از روش خود رگرسیون برداری با وقفه توزیعی بیان می‌کنند که رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل برقرار بوده و تأثیر آزادسازی تجاری و توسعه مالی بر تولید ناخالص داخلی مثبت و معنی‌دار است. در ضمن ضریب خطا ۲۲ درصد نشان‌دهنده تعدیل به سمت مقدار تعادل بلندمدت در زمان طولانی خواهد بود.

منصورزاده (۱۳۸۷) به بررسی رابطه بین توسعه تجاری و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ پرداخته و با به‌کارگیری روش‌های اقتصادسنجی پانل دیتا بیان می‌کند که آزادسازی تجاری اثر مثبت و قابل توجهی بر رشد اقتصادی در کشورهای این منطقه داشته است و این درحالی است که در برخی از کشورهای این منطقه عوامل دیگری از جمله مسائل فرهنگی و سیاسی رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است.

۳. ارائه الگوی اقتصادی

در این بخش به ارائه و معرفی الگوی اقتصادی برای بررسی روابط بین فضای کسب‌وکار، تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری و مالی با رشد اقتصادی و توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی براساس داده‌های بانک اطلاعاتی بنیاد هریتیج و نیز گزارش بانک جهانی برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، و نیز گزارش Doing Business خواهیم پرداخت. در این پژوهش از نرم‌افزار Eviews و روش پانل دیتا استفاده شده است. مدل‌های مورد نظر در این پژوهش به صورت زیر است:

مدل (۱)

$$\text{Finance}_i = \beta_1 + \beta_2 d(\text{LGDP}_i) + \beta_3 \text{TO}_i + \beta_4 \text{TF}_i + \beta_5 \text{FO}_i + \beta_6 \text{TOFO}_i + \beta_7 \text{BE}_i + \varepsilon_i + u_i$$



مدل (۲)

$$d(LGDP)_i = \beta_1 + \beta_2 Finance_i + \beta_3 TO_i + \beta_4 TF_i + \beta_5 FO_i + \beta_6 TOFO_i + \beta_7 BE_i + \varepsilon_i + u_i$$

در جدول شماره (۱) متغیرهای به کار گرفته شده در مدل‌های (۱) و (۲) معرفی شده است:

جدول شماره (۱). معرفی متغیرها

نام متغیر	تعریف
$Finance_i$	اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی (شاخص توسعه مالی)
$d(LGDP)_i$	تفاضل لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه (شاخص رشد اقتصادی)
TO_i	نسبت تجارت (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی (شاخص آزادسازی تجاری)
FO_i	نسبت جریان کل ورود و خروج سرمایه به تولید ناخالص داخلی (شاخص آزادسازی مالی)
$TOFO_i$	حاصلضرب شاخص آزادسازی تجاری و شاخص آزادسازی مالی (نشان‌دهنده اثر آزادسازی تجاری بر آزادسازی مالی)
TF_i	تعداد مبادلات تجاری انجام شده یا نسبت تجارت (مجموع صادرات و واردات) تقسیم بر مدت زمان (بر حسب روز) (شاخص تسهیل تجاری)
BE_i	میانگین موزون ده مؤلفه اساسی فضای کسب و کار (مجموعه زیرشاخص‌های تشکیل‌دهنده شاخص آزادی اقتصادی)

آزادسازی تجاری و مالی نمی‌توانند مستقل از هم باشند و مطابق با نظریات برخی اقتصاددانان، حساب سرمایه اغلب به دنبال آزادسازی تجارت کالا پیش می‌آید. این امر به این علت است که همگرایی تجاری موجب مشکل‌تر شدن اعمال محدودیت بر جریان‌های سرمایه می‌گردد (راستی ۱۳۸۹)؛ بنابراین، برای اینکه شاخص باز بودن تجاری به عنوان جانشین متغیر باز بودن مالی به‌ویژه برای کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی منظور گردد، یا به عبارتی اثر آزادسازی تجاری بر آزادسازی مالی لحاظ شود، از حاصلضرب آنها استفاده شده است. همچنین به منظور تفکیک آثار دقیق‌تر باز بودن تجاری و مالی بر عملکردهای اقتصادی متغیرها به صورت انفرادی در مدل وارد شده‌اند.

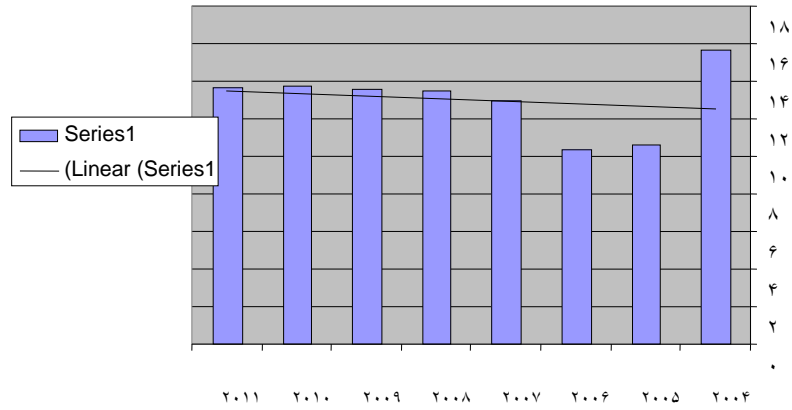
۳-۱. مروری بر شاخص‌های مدل در ایران و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

۳-۱-۱. شاخص‌های مالی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور، بازار سرمایه است. در این راستا سیستم‌های مالی کارآمد و بازار سرمایه قدرتمند می‌توانند از طریق کسب اطلاعات درباره فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تجمیع و تجهیز پس‌اندازها، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال حاکمیت

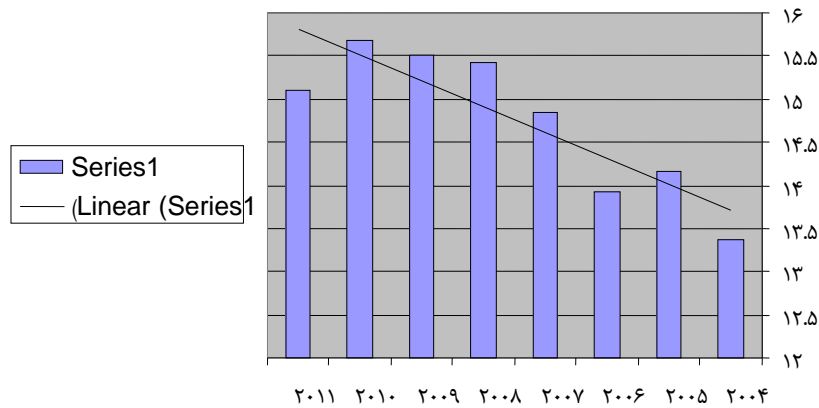
شرکتی، تسهیل مبادله کالاها و خدمات و توزیع و مدیریت ریسک، با کاهش هزینه‌های مبادله و کسب و تحلیل اطلاعات، موجب تخصیص بهتر منابع و در نهایت افزایش رشد اقتصادی شوند. همچنین سیستم‌های مالی کارآمدتر، موانع تأمین مالی و خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند. این عامل در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، علی‌رغم توسعه نسبی سریع در زمینه بازار سهام، هنوز به‌طور نسبی و در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته دارای رشد اندکی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مالی، شاخص ژرفای مالی است که بیانگر اندازه واسطه‌های مالی رسمی به فعالیت‌های اقتصادی در یک سیستم است. معمولاً فرض می‌شود اندازه واسطه‌های مالی به‌طور مثبت با خدمات مالی ارائه‌شده مرتبط و همبسته است، یعنی هرچه اندازه واسطه‌های مالی بزرگ‌تر باشد، عرضه خدمات مالی نیز گسترده‌تر خواهد بود. یکی از روش‌های رایج برای اندازه‌گیری ژرفای مالی، نسبت بدهی‌های نقدی به تولید ناخالص داخلی است. توجه به مقدار این شاخص طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱، بیانگر روند روبه‌افزایش آن است. در نمودار شماره (۱) روند تغییرات شاخص ژرفای مالی برای کشورهای منتخب اسلامی شامل ایران، ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی و ... به‌صورت لگاریتمی آورده شده است.

نمودار شماره (۱). روند تغییرات شاخص ژرفای مالی برای کشورهای منتخب اسلامی



از دیگر مؤلفه‌های توسعه مالی، شاخص بنیانی توسعه مالی است. این شاخص بیانگر روند تغییرات اهمیت نسبی مؤسسات مالی است. توجه به مقدار این شاخص طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۰۴ بیانگر روند روبه‌افزایش آن در کشورهای منتخب است؛ در نمودار شماره (۲) روند تغییرات شاخص بنیانی توسعه برای کشورهای منتخب اسلامی به صورت لگاریتمی آورده شده است.

نمودار شماره (۲). روند تغییرات شاخص بنیانی توسعه برای کشورهای منتخب اسلامی



روند این شاخص بیانگر کارکرد روبه‌رشد سیستم بانکی از نظر حجم ارائه تسهیلات اعطایی در قالب تسهیلات قرض‌الحسنه سیستم بانکی کشورهای اسلامی

به جامعه است که می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. اعطای تسهیلات به‌طور عمده توسط بانک‌ها صورت می‌گیرد، به‌طوری‌که ۷۰ درصد تأمین مالی برای دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ به وام بانکی مربوط می‌شود. همچنین کل سرمایه بازارهای سهام حدود ۲۰۰ میلیارد دلار می‌باشد که معادل ۴۰ درصد GDP این منطقه برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ می‌باشد. با توسعه ابزارهای مزبور در این مرکز به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران ایرانی نیز علاقه‌مند باشند تا از مزیت‌های این منطقه بهره‌مند شوند و یا اینکه با ارتقای جذابیت‌های بورس ایران در صورت رفع محدودیت‌های جریان سرمایه به کشور، نقل و انتقالات سرمایه با سرعت بیشتری رشد یابد (مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی).

۲-۱-۳. رشد اقتصادی

از اواخر دهه ۸۰ تحقیقات زیادی در زمینه الگوهای رشد انجام گرفت که منجر به ایجاد الگوهای جدیدی به نام «الگوهای رشد درون‌زا» شد. این الگوها معتقدند که سازوکارهای درونی اقتصاد مانند آموزش، سطح مناسبی از علم و مهارت، پژوهش و... در رشد اقتصادی نقش دارند. الگوهای جدید رشد، رویکردها و الزامات سیاستی برای تحقق یک رشد پایدار را گسترش تجارت، توسعه سرمایه انسانی، ارتقاء بهره‌وری و سیاست‌های کارآمد دولت می‌دانند. به عبارت دیگر براساس این مطالعات، رشد اقتصادی براساس مجموعه‌ای از سازوکارها اتفاق می‌افتد که در این مجموعه، غیر از نهاده‌های اولیه تولید، عوامل دیگری نیز دخیل هستند. با توجه به این مسئله اگر زمینه لازم برای کارکرد این سازوکارها ایجاد نشود، نمی‌توان یک رشد پایدار اقتصادی را انتظار داشت. براساس اطلاعات منتشر شده از بانک جهانی، متوسط سهم تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی از تولید جهانی برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۱ حدود ۶/۷ درصد بوده است که در مقایسه با سهم آنها از جمعیت جهانی به مراتب پایین‌تر است. در میان کشورهای اسلامی، تولید ناخالص داخلی تنها هشت کشور اندونزی، ترکیه، ایران، پاکستان، مصر، عربستان سعودی، مالزی و بنگلادش هر یک بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است که جمعاً ۶/۷۲ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند. این درحالی است که تولید ناخالص داخلی ۲۷ کشور از کشورهای اسلامی، کمتر از ۲۴ میلیارد دلار بوده است. براساس آمارهای منتشر شده از

سوی بانک جهانی، کشورهای اسلامی در سال‌های دهه ۲۰۰۰، رشدهای متنوعی داشته‌اند؛ به طوری که کشورهای اسلامی آسیای مرکزی نظیر قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان، با کاهش در تولید ناخالص داخلی مواجه بوده‌اند و قدرت اقتصادی آنها روبه کاهش گذاشته است. همچنین، متوسط میزان رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از ۲۰ کشور اسلامی، طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰، منفی بوده است. در مقابل کشورهایی نظیر لبنان، سوریه، مالزی، یمن، ترکیه، مراکش و اندونزی رشد اقتصادی بیش از پنج درصد را تجربه نموده‌اند.

۳-۱-۳. شاخص‌های تجاری

آزادسازی و تسهیل تجارت خارجی که متعاقب اصلاح قوانین و مقررات صادرات و واردات، تعامل مستمر با بانک جهانی و صادرکنندگان و همچنین بازرنگری و اصلاح نظام گمرکی و حذف تعرفه‌ها است، سبب کاهش معیارهای تعیین شاخص تجارت فرامرزی، یعنی کاهش زمان، هزینه و تعداد اسناد شده و با افزایش تجارت فرامرزی زمینه را برای ورود به بازارهای جهانی و نهایتاً جهانی شدن هموار می‌سازد. بررسی‌های بانک جهانی شاخص‌های مؤثر در تسهیل تجاری ایران و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در یک دوره سه‌ساله از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ نشان می‌دهد که ایران رتبه ۱۳ را در میان کشورهای عضو سازمان به خود اختصاص داده است. در میان هشت کشور امارات متحده عربی، عربستان، گرجستان، بحرین، قطر، ترکیه، پاکستان، کویت، و امارات به ترتیب در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ رتبه‌های ۱۳، ۵ و ۳ سهولت در تجارت را از آن خود کرده‌اند و پس از آن عربستان نیز در این سال‌ها با رتبه‌های ۱۸، ۲۳ و ۱۸ در جایگاه دوم قرار دارد. بحرین، قطر، ترکیه، پاکستان، گرجستان، کویت و سرانجام ایران رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. در سال‌های گذشته به دلیل عدم اجرای اصلاحات در قوانین مربوط به تجارت فرامرزی از سوی ایران در سال ۲۰۱۰ در شاخص‌های تسهیل تجاری در ایران صورت گرفته است که عبارت بوده از کاهش زمان تجارت که از عوامل ایجادکننده آن می‌توان به بهره‌برداری بهتر از بندر شهید رجایی و نیز جداسازی کالاهای شیمیایی و پتروشیمی از سایر کالا اشاره نمود.

۴-۱-۳. فضای کسب و کار

فضای کسب و کار از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده وضعیت اقتصادی هر کشور است. فضای کسب و کار مناسب یکی از عوامل مهم برای جذب سرمایه و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود و شاخص‌های مختلفی از جمله انجام آسان کسب و کار، شروع کسب و کار، جواز کسب و کار، اشتغال نیروی کار، ثبت دارایی، به‌دست آوردن اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت با سایر کسب و کارها، اجرای قراردادها، و پایان کسب و کار برای اندازه‌گیری فضای کسب و کار مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس گزارش سال ۲۰۱۲ بانک جهانی رتبه ایران از لحاظ فضای کسب در میان ۱۸۵ کشور مورد بررسی در این گزارش، رتبه ۱۴۵ و در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی رتبه ۱۴ اعلام شده است. در بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی عربستان رتبه نخست را از لحاظ فضای کسب و کار به خود اختصاص داده است. کشورهای عربستان، امارات، بحرین، قطر، کویت، عمان، تونس، لبنان، اردن، مراکش، مصر، سوریه و الجزایر وضعیت مناسب‌تری از ایران در شاخص فضای کسب و کار در این گزارش دارند. براساس این گزارش، ایران از لحاظ شاخص آغاز کسب و کار در رتبه ۵۳ قرار دارد که نسبت به سال گزارش سال قبل، ۱۸ رتبه نزول داشته است. از لحاظ شاخص کسب مجوزهای لازم برای آغاز کسب و کار، در جایگاه ۱۶۴ قرار گرفته است که نسبت به سال گذشته یک رتبه نزول داشته است. از لحاظ شاخص استخدام نیروی کار و ثبت دارایی‌ها در رتبه ۱۶۲ و ۱۶۳ قرار دارد که نسبت به گزارش قبلی، تغییری نداشته است. از لحاظ کسب اعتبارات، ایران با پنج رتبه نزول نسبت به گزارش قبلی به جایگاه ۹۸ رسیده است. از لحاظ حمایت از سرمایه‌گذاران با نزول سه‌پله‌ای در رتبه ۱۶۶ قرار دارد. از لحاظ پرداخت مالیات با سه رتبه نزول به رده ۱۲۶ رسیده است. فضای کسب و کار سرمایه‌گذاری را می‌توان از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی ایران تلقی کرد که عمدتاً ناشی از عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی است. از سوی دیگر، توسعه اقتصادی بر پایه رقابت‌پذیری کشورها استوار است و سلامت محیط کسب و کار از عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری

کشورها در اقتصاد جهانی می‌باشد. در بین کشورهای اسلامی عربستان در رتبه نخست از لحاظ فضای کسب و کار قرار دارد.

۴. نتایج تجربی

در اینجا ابتدا با توجه به نتیجه آزمون F برای هر مدل عرض از مبدأ جداگانه‌ای در نظر گرفته شده و همچنین با توجه به نتیجه آزمون هاسمن می‌توان بیان نمود که برای مدل‌های (۱) و (۲) اثر تصادفی رد و اثر ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول شماره (۲). نتیجه آزمون هاسمن و آزمون F

<i>Cross – section F</i>	۱۱.۷۷ (Prob=۰.۰۰۰)	۱۷.۴۷ (Prob=۰.۰۰۰)
χ^2 هاسمن	۳۹.۱۶ (Prob=۰.۰۰۰)	۴۰.۱۷ (Prob=۰.۰۰۰)

سپس مدل (۱) برآورد شده و نتایج برآورد طبق جداول شماره (۳) ارائه می‌شود (توجه شود که در مدل (۱) توسعه مالی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است).

جدول شماره (۳). برآورد مدل (۱) برای کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی

متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال
c	-۰.۱۹	-۱۱.۸	۰.۰۰
$d(LGDP_i)$	۰.۰۴	۴.۸۴	۰.۰۰
TO_i	۰.۰۶	۲.۷	۰.۰۳
FO_i	۰.۰۹	۴.۳۱	۰.۰۰
$TOFO_i$	-۰.۰۳	-۱.۱۹	۰.۲۳
TF_i	۰.۲۶	۲.۱۲	۰.۰۴
BE_i	-۰.۰۰۲	-۰.۳۴	۰.۷۲
R^2	۰.۸۷	\bar{R}^2	۰.۸۴

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مدل به‌خوبی برازش شده است. آزادسازی تجاری با ضریب ۰/۶۰ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارد و نیز آزادسازی مالی با ضریب ۰/۰۹ نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی دارد. این درحالی است که ضریب مضروب آزادسازی تجاری و مالی (-۰.۰۳) اثر معنی‌داری را بر توسعه مالی نشان نمی‌دهد. ضریب تسهیل تجاری، ۰/۲۶، اثر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی دارد؛ درحالی‌که ضریب فضای کسب و کار چنین اثری را نشان نمی‌دهد.

برای مدل (۲) نیز نتایج براساس جدول شماره (۴) ارائه می‌شود:

جدول شماره (۴). برآورد مدل (۲) برای کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی

متغیرها	ضریب	آماره t	احتمال
C	۴.۷۳	۳.۸	۰.۰۰
$Finance_i$	۰.۱۱	-۰.۵۸	۰.۵۵
TO_i	۰.۳۱	۴.۰۱	۰.۰۰
FO_i	۰.۰۸	۱.۵۱	۰.۱۳
$TOFO_i$	۰.۰۲	۳.۳۴	۰.۰۰
TF_i	۰.۲۱	۳.۰۶	۰.۰۰
BE_i	۰.۰۵	۶.۸	۰.۰۰
R^2	۰.۷۶	\bar{R}^2	۰.۸۱

و براساس نتایج برآورد مدل (۲) نیز شواهد نشان‌دهنده خوبی برازش مدل است. آزادسازی تجاری با ضریب ۰/۳۱ تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارد؛ اما آزادسازی مالی با ضریب ۰/۰۸ تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد. ضریب مضروب آزادسازی تجاری و مالی، ۰/۰۲، همچنین اثر معنی‌داری را بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد. ضریب تسهیل تجاری، ۰/۲۱، همچنین ضریب فضای کسب‌وکار، ۰/۰۵، اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش پس از طرح این پرسش که آیا آزادسازی تجاری و مالی، وضعیت رشد اقتصادی و توسعه مالی را برای کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی تحت تأثیر قرار خواهند داد یا خیر، به‌دنبال پاسخی مستدل برای آن بودیم. در این راستا مدل‌های اقتصادی که می‌توانست مبانی تئوریک این موضوع را پوشش دهد انتخاب شد و با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا و نرم‌افزار Eviews، مدل‌های معرفی شده برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ برآورد شد. نتایج نشان می‌دهد که تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری و مالی اثر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی در این کشورها دارد؛ درحالی‌که شاخص فضای کسب‌وکار چنین نتیجه‌ای را نشان نمی‌دهد. از طرفی شاخص فضای کسب‌وکار، تسهیل تجاری و آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته، اما آزادسازی مالی اثری بر رشد اقتصادی در این کشورها ندارد. پس این نتیجه استنباط می‌شود که افزایش رقابت و تجارت در کشورهای عضو

سازمان کنفرانس اسلامی موجب افزایش سطح توسعه مالی و رشد اقتصادی می‌شود و این نتیجه مطابق نظریه اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک و همچنین، عده‌ای از نظریه پردازان اقتصاد بین‌الملل مانند بالاسا (۱۹۷۸)، کوآن و همکاران (۱۹۹۶) و بادینگر و تندل (۲۰۰۲) است که اعتقاد فوق‌العاده به نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی دارند، از آن به‌عنوان موتور رشد نام می‌برند. از طرفی با نتایج پژوهش‌های بکر و گرینبرگ (۲۰۰۵) و راستی (۱۳۹۰) که بیان می‌کنند باز بودن تجاری اثر مثبتی بر توسعه مالی و اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و باز بودن مالی اثری بر عملکردهای اقتصادی ندارد، در برخی نتایج مطابقت دارد. همچنین با نتایج آنتنیوس (۲۰۱۰) و بالتاجی و همکاران (۲۰۰۷) که بیان می‌کنند آزادسازی تجاری و مالی اثر مثبت و معنی‌داری بر توسعه مالی دارد، مطابقت دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های هوانگ و تمپل (۲۰۰۷)، منصورزاده (۱۳۸۷)، جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸) و یوسفی و مبارک (۱۳۸۹) که بیان می‌کنند توسعه تجاری اثر مثبت و قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارد، انطباق دارد. نیز با یافته‌های ایتو (۲۰۰۵) و هور و راج (۲۰۰۶) که بیان می‌کنند آزادسازی مالی بر سطح توسعه مالی در کشورهای آسیایی اثر مثبت و معنی‌داری دارد، هم‌پوشانی دارد. قابل ذکر است که نتایج مطالعات فیلیپ و کومار (۲۰۱۰) و کورکوسکا و ربکا (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که تسهیل تجاری و بهبود شاخص فضای کسب‌وکار اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی داشته، نیز بی‌اثر بودن تسهیل تجاری بر توسعه مالی در این کشورها نشان می‌دهند که با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد. براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی، به‌دلیل حساس بودن مسائل مالی، دولت‌ها از آزادسازی مالی قبل از فراهم کردن زیرساخت‌ها و توسعه بیشتر اقتصادی اجتناب نماید، اما در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و افزایش صادرات و رشد اقتصادی، آزادسازی تجاری در دستورکار مسئولان قرار گیرد.
۲. سیاست‌های مقتضی برای بهبود فضای کسب‌وکار و نیز سهولت در امر تجارت در این کشورها صورت پذیرد.
۳. سیاست‌هایی برای دوام بخشیدن به اثرات آزادسازی تجاری بر توسعه مالی و رشد اقتصادی اتخاذ گردد.



۴. بخش‌های بانکی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با بهینه کردن فعالیت‌های خود تلاش کنند اعتبارات را بیشتر به سمت طرح‌های سرمایه‌گذاری مولد بخش خصوصی سوق دهند.
۵. با توجه به اهمیت توسعه مالی در رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، توصیه می‌شود که اولاً دولت‌های اسلامی، نهادهای مالی مانند بانک توسعه اسلامی را تقویت نمایند و ثانیاً با ایجاد ابزارها، بازارها و نهادهای مالی مناسب در تجهیز وجوه مالی تلاش کنند.
۶. پیشنهاد می‌شود که دولت‌های اسلامی با کوچک کردن بدنه خود فضا را برای بخش خصوصی فراهم سازند.



منابع

الف - فارسی

- پورمقیم، محمدجواد. ۱۳۸۲. *اقتصاد بین‌الملل (تجارت بین‌الملل)*، انتشارات سمت. پدram، مهدی. ۱۳۸۳. *مالیه بین‌الملل*، انتشارات دانشگاه الزهرا (س). شیرین‌بخش، شمس‌الله. ۱۳۸۴. *کاربرد Eviews در اقتصاد سنجی*، پژوهشکده امور اقتصادی.
- جعفری صمیمی، احمد، و همکاران. ۱۳۸۸. «تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، پاییز ۸۸، صص ۸۲-۶۵.
- گجراتی، دامودار. ۱۳۸۳. *مبانی اقتصاد سنجی*، مترجم: حمید ابریشمی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- لاولر، کانت. ۱۳۸۶. *اقتصاد سنجی رهیافت کاربردی*، مترجم: شمس‌اله شیرین‌بخش، تهران: انتشارات نور.
- راستی، محمد. ۱۳۸۹. «آثار درجه باز بودن تجاری و مالی بر عملکردهای اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو گروه دی هشت»، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۷۰-۱۶۱.
- یوسفی، مهدی، مبارک، احمد، (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای اثر آزادسازی مالی و تجاری بر رشد اقتصادی و توسعه مالی در ایران»، *اقتصاد مقداری*، شماره ۳۰، پاییز ۹۰.

ب - انگلیسی

- Ashrafzadeh, S, Mehregan, N. 2008. "Econometrics of Panel Data", **Research Institute of Cooperatives**, Tehran: University of Tehran.
- Antonios, A. 2010. "Financial Development and Economic Growth a Comparative Study Between 15 European Union Member States", **IRJFE**, No 35, pp.57-72.
- Becker, Bo and David, Greenberg. 2005. "Financial Development and International Trade," **World Bank**.
- Baltagi, Badi H.; Law, S. H. and P. Demetriades. 2007. "Openness, Institutions and

- Financial Development", University of Leicester, **Working Paper**, No.05/08.
- Dennis,A. 2006. "The Impact of Regional Trade Agreements and Trade Facilitation in the Middle East North Africa Region", World Bank Policy Research, **Working Paper 3837**.
- Felipe, J, & Kumar, U. 2010. "The role of Trade Facilitation, Financial Development and Economic Growth in Central Asia: A Gravity Model Levy Economics Institute, **Working Paper**, No. 628.
- Goldsmith, R. W. 1969. **Financial Structure and Development**, New Haven, Conn: Yale University Press.
- Huang Y. and J. Temple. 2007. "Does External Trade Promote Financial Development," **CEPR Discussion Paper**, No. 5150 July.
- Ito, Hiro. 2006. "Financial Development and Financial Liberalization in Asia: Thresholds, institutions and the sequence of liberalization", **North American Journal of Economics and Finance**, 17(3): pp. 303-327.
- King, R. And R. Levine. 1993. "Finance and Growth: Schumpeter Might be Right", **The Quarterly Journal of Economics**, August, pp. 717-737.
- Kletzer, Kenneth, and Pranab, Bardhan. 1987. "Credit Markets and Patterns of International Trade", **Journal of Development Economics**, Vol27. Pp211- 227.
- Krkoska, L.Robeck, K. 2008. "Business Environment and Economic Growth in East Germany Compared to West Germany and Central Europe", **Journal of Comparative Economics**, (36), pp.568-583.
- Korkut, B. 2011. "Financial liberalization, Financial Development and Economic Growth", **Journal of Development Economics**, Vol. 57, pp.115-128.
- Law, S. H. and P. Demetriades. 2006. "Openness, Institutions and Financial Development", University of Leicester, **Working Paper**, No.05/08.
- Patrick, H. T. 1966. "Financial Development and Economic Growth in Underdeveloped Countries", **Economic Development and Cultural Change**, Vol (2)14, pp. 174-189
- Rajan, R, Luigi, Z. 2003. "The Great Reversals: the Politics of Financial Development in the 20th Century", **Journal of Financial Economics**, pp.69, 5-50.
- Svaleryd, H, Vlachos, J. 2005. "Financial Markets, the Pattern of Industrial Specialization and Comparative Advantage:Evidence from OECD Countries", **European Economic Review**, Vol. 49, pp. 113-144.
- World Development Indicators. 2012.